



نویسنده: مارجوری کوهن (Majatie Cohn)
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «18-11-2017».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ایا ممکن خواهد بود که رهبران نظامی و (سی آی ای)
ایالات متحده امریکا به نسبت جنایات جنگی شان مورد
بازپرس قرار گیرند؟

US Military and „CIA“ leaders May be investigated for War crimes



ریس دادگاه کیفری بین المللی (international criminal court) بتا ریخ سوم
نومبر به دادگاه پیش از دادگاه اطلاع داد و گفت: در اینجا یک بنیاد منطقی و معقول
وجود دارد که بر آن باید باور کرد و آن اینکه جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت
در ارتباط با بادرگیری های مسلحانه در افغانستان متعهد شده است.

فاتو بنسودا (Fatou Bensouda) دادستان کل (لوی خارنوالی) از اینکه سازمان
عفو بین المللی را برای دادگاه کیفری بین المللی (ICC) یک لحظه ای ذهنی نامیده است
از دادگاه خواست تا به تحقیق و بررسی خود از رهبران نظامی و اداره (سی آی ای)
ایالات متحده امریکا و همچنان از مقامات ارشد طالبان و مسولان افغانی با تمرکز هرچه
عمیق و فشرده تر فکری آغاز کند.

بنسودا (Bensouda) در تاریخ (14) ماه نومبر سال (2016) از بررسی اولیه خود
طی یک گزارش نشان داد که در اینجا برای باور کردن یک دلیل منطقی و معقول وجود

دارد و آن اینکه جنایات جنگی، شکنجه و بدرفتاری بوسیله نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا مستقر در افغانستان در محاسبات مخفی تحت اداره و کنترل سازمان اطلاعاتی مرکزی (سی آی ای) عمدتاً در سالهای (2003) و (2004) و قسمتاً با برخی ادعاها تا سال (2014) صورت گرفته و تا هنوز دوام دارد.

ریس کل تحقیق اظهار داشت که جرایم ادعا شده توسط سازمان (سی آی ای) و نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا مستقر در افغانستان تنها در مورد چند نفر تجرید شده مورد سوء استفاده قرار نگرفته است بلکه این جرایم و یا دادن شکنجه بخشی از روش های بازجویی نامیده شده است و آن هم برای بدست آوردن «اطلاعات عملی» از بازداشت شدگان. او به دوام اظهارات خود افزود که دلیل باورمندی بر این است که «جنایات» در تحقیق یک پالیسی و یا پالیسی ها است و یا از اهداف ایالات متحده آمریکا در جنگ افغانستان است. که از آن حمایت میکند و به تحقق و انطباق همچو پالیسی خود در افغانستان متعهد است.

طبق اساسنامه روم (Rome statute) که تفصیل آن در ذیل توضیح شده است

{ اساسنامه رم در دادگاه جنایی بین المللی (اغلب به عنوان اساسنامه دادگاه جنایی بین المللی یا اساسنامه رم نامیده می شود) معاهده ای است که دادگاه جنایی بین المللی را تاسیس کرد. این در یک کنفرانس دیپلماتیک در رم در تاریخ 17 جولای «1998» و در تاریخ 1 ژوئیه «2002» به اجرا درآمد. در اکتبر «2017»، «123» کشور در این قانون عضو

هستند. در میان سایر موارد، این اساسنامه، وظایف، صلاحیت و ساختار دادگاه را تاسیس می کند. ازویکی پدیا {

دادگاه کیفری بین المللی (ICC) فقط در مورد افرادی که کشور اصلی آنها تمایل ندارد و یا نمیتواند که افراد مجرم را بغرض محاکمه به محاکم کشور برگرداند ادعای صلاحیت قضایی را دارد؛ در توضیح این موضوع که چرا این تحقیقات در مورد جنایات جنگی تحت مجوز دادگاه کیفری بین المللی قرار دارد؛ **بنسوادا (Bensouda)** گزارش داد که تحقیقات وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا در مورد بد رفتاری با (101) بازداشت شده محدود به این بوده که آیا روشهای بازجویی که توسط هیئت تحقیق سازمان سیا (سی آی ای) صورت گرفته و یا به منصفه اجرا گذاشته شده غیر قانونی است و یا که قوانین جزایی نقض شده است. خارنوال کل (دادستان) آمریکا گفت: که وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا هیچکدام از افرادی را که با حسن نیت و طبق رهنمود دفتر مشاور حقوقی ("the office of legal counsel" OLC) آمریکا رفتار کرده باشد و یا رفتار بکند مورد پیگرد و تعقیب قرار نمیگیرد.

دادستان کل آمریکا ("Attorney General" AG) فقط در مورد را تحت بررسی

قرار داد و شواهدی را که برای تحقیق محکومیت ناکافی بود پیدا کرد. **مورد اول:** گل رحمان پس از انهدام و غرق شدن در سطح و در روی سمنت سرد در یک زندان مخفی افغانی که بنام گودال سرد نمکی شناخته شده است محکوم به مرگ شده است

ویا بد ام مرگ افتاده و مورد دوم اسا می منادل آل جمادی (Manadel Al Jamadi) در زندان ابوغریب در عراق که جان خود را وقتی از دست داد که دستان او را در پشت سرش باهم محکم بسته بودند و او را در سقف اتاق اویخته بودند تونی دیاز (Tony Diaz) پولیس سابق نظامی که شاهد شکنجه دادن ها به این مجرم بود اظهار داشت: وقتیکه منادل آل جمادی را به روی زمین فرود آوردند از بین او سیل خون همچو که از شیردهن یک نل آب، آب بیاید سرازیر شد. وبا اجرای فتح میت (کالبد شگافی) نظامی که صورت گرفت چنین نتیجه بدست آمد که مرگ «جمادی» یک قتل است ولی بهر حال دادستان کل ایالات متحده امریکا در نهایت امر مقامات در ادره بوش را که مسؤل شکنجه و مرگ این دومی (افغانی و عراقی) بودند از جلب آنها به دادگاه خود داری کرد و اصلاً به موضوع هیچ اهمیتی نداد.

طبق یک گزارش موثق دیگر این که در سال (2008) آژانس خبر رسانی (ABC) گزارش داد که دیک چینی (Dick Cheney)، کاندولیزا رایس (Condoleezza Rice) دونالد رامسفلد (Donald Rumsfeld) جورج تننت (George Tenet) و جان اشکرافت (John Ascroft) در کاخ سفید باهم دیدار کردند و برای شکنجه دادن مظنونین تروریست بکار بردن تکنیک های شکنجه دادن های جدیدی را بویژه القای حس غرق شدن (waterboarding) را تصویب کردند. جورج دبلیو بوش در سال (2010) در خاطرات خود اعتراف کرد که او دادن شکنجه القای حس غرق شدن (waterboarding) را در هنگام بازجویی از مظنونین تروریست هدایت داده است ویا مجوز این نوع شکنجه را تصویب و صاف در نموده است. چینی، رایس، و جان یو (John yoo) و مقامات ارشد دفتر مشاوری حقوق (OLC) امریکا حکم تطبیق همچو شکنجه های مشابیه را پذیرفته



فاتو بنسوادا (Fatou Bensouda)



محکمه کیفری بین المللی (international criminal court)

و اجرای آنرا اجازه داده اند.

اگر دادگاه کیفری بین المللی تحقیقات و ارزیابی های خود را دنبال کند؛ چونکه ایالات متحده امریکا « اساسا مه روم» را نه پذیرفته است یعنی که عضو ویا پیروی « اساسا مه روم» نیست و به احتمال زیاد از سپردن اتباع مجرم خود بخاطر تفویض حکم قضایی به دادگاه کیفری بین المللی خودداری خواهد کرد. واز سوی هم در دوران زمامداری جورج دبلیو بوش کنگره ایالات متحده امریکا قانون حفاظت و مصونیت از اعضای خدمات امریکایی را تصویب کرد و انهم « به این مفهوم که اتباع مجرم امریکا در هیچ از یک محکمه خارج از امریکا تحت بازپرس قرار نمیگیرد و اگر احیاناً اتباع داخل خدمات مجرم ایالات متحده امریکا به دادگاه کیفری سپرده شود؛ ارتش امریکا میتواند که آن امریکایی ویا امریکایی ها را به زور و فشار از آنجا بیرون آورد. و این عمل خود همکاری ایالات متحده امریکا را با دادگاه کیفری بین المللی محدود میکند و مانع کمک های نظامی امریکا به دولت های عضو « اساسا مه روم» میشود. مگر اینکه کشورهای عضو «اساسا مه روم» موافقت نامه های مصونیت دوجانبه را با امریکا امضا کنند.

کشورهایکه ماده (98) ؛ « اساسنا مه روم » با توافق امضا کرده اند در اشاره به بخشنا مه مقررات روم مربوط به معاهدات بین خود کشورهارا به تصویب رسانیده وتعهد داده اند که از محکمه کردن اتباع امریکایی در دادگاه کیفری بین المللی دست بردار هستند و ایالات متحده امریکا مدعی است که این موافقتنامه را که اعضای مجرم امریکا را به محکمه کیفری بین المللی نمی سپارند با (یکصد) کشور از جهان به امضا رسانده است بخصوص با کشورهای کوچک با داشتن دموکراسیهای شکننده و داشتن اقتصاد ضعیف (مثل افغانستان) و آنچه از کشورهای که همچو توافقنامه را با ایالات متحده امریکا توشیح نه نموده اند ؛ امریکا بدون تعلل کمک های نظامی خود را به آن کشورها قطع نموده است .

بهر حال مطابق به مقرر و « اساسنا مه روم » ؛ دادگاه کیفری بین المللی در یک کشوریکه آن کشور متعهد به «اساسنامه روم » است میتواند بالای شخص مجرم چه زن ویاچه مرد در یک کشوری مرتکب جرم وجنایت گردد که آن کشور عضو «اساسنامه روم » باشد ولی خود مجرم از کشوری باشد که « اساسنا مه روم » را نه پذیرفته است صلاحیت صدور حکم قضایی را بر آن مجرم دارد. و این ایالات متحده امریکا است که به شدت به این موضوع اعتراض میکند چونکه امریکا (اساسنا مه روم) را نه پذیرفته است- طبق قوانین بین المللی حقوق بشر ؛ دادگاه کیفری بین المللی کسانی را تحت پیگرد قانونی قرار میدهد که مرتکب نسل کشی ؛ جنایات جنگی ؛ جنایات علیه بشریت وجنایات صلاحیت بین المللی جهانی اند.

دکترین صلاحیت جهانی هر کشوری را وادار میسازد ویا به آن کشور مجوز میدهد که با تلاش همه جانبه اتباع خارجی را به نسبت مرتکب شدن به اشد جنایات بدون هیچگونه ارتباط مستقیم با کشور متهم ویا مرتکب جرم ، به دادگاه کیفری بین المللی معرفی دارد و آن به این مفهوم که کشورهای دیگر میتوانند ویا صلاحیت دارند که رهبران ویا امریکایی های مجرم جنگ را به خاطر صدور حکم قضایی به محکمه جزایی بین المللی معرفی نمایند.

در حقیقت امر از مفهوم فوق چنین نتیجه گرفته میشود که ایالات متحده امریکا در مورد مبارزه با تروریسم ؛ قاچاق و ترافیک مواد مخدره ؛ شکنجه وجنایات جنگی قضایی را در مورد اتباع خارجی نیز اتخاذ ویا می پذیرد. چنانچه که دولت امریکا با صرف مساعی زیاد چارلز «چاکی» (Charles Chucki Tylori Jr) را به اتهام شکنجه در لیبریا به زندان محبوس کرد ویا اسرائیل که ادولف آیشمن (Adolph Eichmann) را به نسبت جنایاتش در طول دوره هلوکاست محکوم به مرگ کرد. اما بهر صورت در اینجا تلاش های گسترده تر با تحمیل فشار روی دست گرفته شده ویا میگیرد که از محکمه شدن رهبران ایالات متحده امریکا و اتباع مرتکب به جرم امریکا جلوگیری

بعمل آید. اما بنسوادا (Bensouda) بدون شک و تردید با درخواست داد گاه کیفری برای تصویب تحقیقات درباره جنایات انجام شده در افغانستان؛ فشار های شدیدی را پشت سر گذاشته است؛ او همچنان بطور ناگهانی برای بار نخست با فشار های قابل توجهی در ماه جنوری سال (2015) به نسبت بررسی از مجرمین اسرائیلی و فلسطینی در غزه روبرو شد و انتظار آن برده میشود که (بنسوادا) نتایج این فشار ها را در ماه دسمبر اعلام کند.

داد گاه کیفری بین المللی تقریباً بطور انحصاری برای محکومیت رهبران افریقایی متمرکز شده است که این خود در ظاهر امر با تحقیقات احتمالی درگیری ها در افغانستان و فلسطین تغییر میکند.

اگر داد گاه کیفری بین المللی به تحقیق و بررسی کامل خود در مورد مقامات ایالات متحده امریکا که مرتکب جرم شده اند ادامه دهد؛ سگنال آن بصورت اشکار و روشن به دولت دونالد ترومپ و سایر کشورهای جهان میرسد. حسب گفته ای جمیل داکوار (Jamil Dakwar) مدیر حقوق بشر اشیل: تحت شکنجه قرار دادن مجرم حتی در زمان جنگ ممنوع است چونکه پیامد های آن با وضع تحریم ها توأم میباشد.

موضوع قابل تذکر اینکه دونالد ترومپ در زمان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا اعلام کرد که شکنجه القای حس غرق شدن (waterboarding) را به نسبت که امریکا با یک دشمن بربر و بد ذات مواجهه است مجاز میداند او شکنجه القای حس غرق شدن را با یک دستمال کاغذی مشا به دانست و یا آنرا دستمال کاغذی نامید.

پیام قرنطینه (دیر رسیده) این است که هیچکس و یا هیچ مقام بالاتر از قانون نیست که اکنون در همین لحظه بسیار مهم و درخور اهمیت میباشد قسَمیکه کاترین گلاگجار (Katherina Gallagher) وکیل ارشد مرکز حقوق قانون اساسی طی یک بیانیه ای خود گفت: که این دولت دونالد ترومپ است که با حيله گریها و شعبده بازی های چندی در افغانستان حمله میکند و این جنگ نامعوم و بی پایان را بدون طرح کدام راه بیرون رفت از جنگ در نظر میگیرد.

----- **با تقدیم سلامها «2017-11-22»**

